

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران اسال شانزدهم، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۱۵۹-۱۹۱

مقاله پژوهشی

سرمایه فرهنگی و باروری:

مطالعه‌ای در میان زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر رشت

طوبی براتی^۱، محمد امین کنعانی^{۲*}، حمید عبداللهی چندانق^۳

چکیده

در چند دهه اخیر کاهش میزان‌های باروری به زیر سطح جانشینی در کشور امری فراگیر بوده است، اما تجربه استان گیلان در این زمینه چشمگیر است. براساس آخرین برآوردها، در سال ۱۳۹۹ میزان باروری کل این استان برابر با ۱ فرزند بود. پژوهش حاضر در پی بررسی دلایل ذهنی نرخ پایین باروری است. رویکرد نظری مطالعه، رویکرد سرمایه‌ای پیر بوردیو و مفهوم «سرمایه فرهنگی» و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادین) است. روش پژوهش پیمایش، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه، جامعه آماری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر رشت، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای اتفاقی و حجم نمونه ۳۹۱ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهند بی‌فرزندی و کم‌فرزندی حالت شایع در رفتار باروری است و اکثریت پاسخ‌گویان (حدود ۶۷ درصد) تصمیمی به باروری مجدد ندارند. طبق یافته‌ها، بین سرمایه فرهنگی و تمامی ابعاد آن (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادی) و رفتار باروری (تعداد فرزند زنده به دنیا آمده هر زن) رابطه معنادار و معکوس حاکم است و با افزایش سرمایه فرهنگی، باروری کاهش می‌یابد. براین اساس، امروزه اگرچه عوامل ساختاری در باروری نقش دارند، نگرش‌ها، سلاقی، ارزش‌ها و در نتیجه انتخاب‌ها نیز مهم هستند و نیاز به ایجاد هماهنگی در انتظارات ذهنی و موقعیت عینی خانواده‌ها وجود دارد.

واژگان کلیدی: باروری، سرمایه فرهنگی، تحصیلات، زنان، رشت

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان touba.barati73@gmail.com

۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) kanani@guilan.ac.ir

۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان h_abadollahi@guilan.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.547323.1216>

مقدمه و بیان مسئله

در سه دهه گذشته در ایران تحولاتی اساسی در رفتارهای باروری زنان رخ داده است و کشور شاهد کاهش میزان‌های باروری به زیر سطح جایگزینی بوده است. این روند از اواسط دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ آغاز گشته و به سریع‌ترین گذار میزان باروری در جهان تعبیر شده است (عباسی شوازی، ۱۳۸۸: ۱۵). اگرچه در تمامی نقاط کشور رفتارهای باروری خط سیر تقریباً مشابهی را طی می‌کنند، اما گیلان در سال‌های اخیر کم‌ترین میزان باروری زیر سطح جایگزینی را در بین استان‌های ایران داشته است (حمیدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). براساس داده‌های ثبت احوال، میزان باروری کل در استان گیلان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱/۳۸ فرزند، در ۱۳۹۶ ۱/۳۵ فرزند، در ۱۳۹۷ ۱/۲۶ فرزند، در ۱۳۹۸ ۱/۱۰ فرزند و در ۱۳۹۹، ۱/۰۶ فرزند بوده است.

برای بررسی و تبیین چنین تغییراتی، تحقیقات تجربی و دیدگاه‌های نظری مختلفی مطرح هستند که آن‌ها را در دو دسته کلی نظریات ساختاری و نظریات ایده‌ای می‌توان دسته‌بندی کرد (حمیدی‌فر و همکاران ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۷). نظریات ساختاری اگرچه در طول قرن بیستم نقش وافر در تبیین دگرگونی‌های باروری داشته‌اند اما در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم با آشکار شدن بسیاری از جوانب فرهنگی مسئله باروری در اثر تغییرات اجتماعی معاصر، رویکردهای ایده‌ای اهمیت خاصی در این زمینه یافته‌اند. رشد و گسترش نظریاتی مانند نظریه انتقال جمعیتی دوم^۱ (لستهاق^۲، ۲۰۱۰، ۲۰۲۰)، نظریه انتشار فرهنگی^۳ (واتکینز^۴، ۱۹۹۰)، نظریه ایده‌آلیسم توسعه‌ای^۵ (تورنتون^۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵) و نظریه ترجیح^۷ (حکیم^۸، ۲۰۰۳؛ ویتالی^۹، ۲۰۰۹) نشان‌دهنده اهمیت عوامل ایده‌ای و فرهنگی در مقایسه با عوامل اقتصادی و ساختاری

1 Second demographic transition

2 Lesthaeghe

3 Cultural diffusion

4 Watkins

5 Developmental idealism

6 Thornton

7 Preference theory

8 Hakim

9 Vitali

است. یکی از رویکردهایی که می‌توان آن را به مثابه پلی برای ایجاد ارتباط بین این دو دسته از نظریات در نظر گرفت، رویکرد سرمایه‌ای پیر بوردیو^۱ جامعه‌شناس فرانسوی است. او ضمن گسترش مفهوم سرمایه از سطح اقتصادی به سطح فرهنگی و اجتماعی و با طرح مفهوم عادت-واره سعی کرد دلایل تغییرات در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی از جمله باروری را توامان ساختاری - ایده‌ای توضیح دهد. در چنین رویکردی، باروری به‌عنوان یک عمل، پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت قلمداد می‌شود؛ در این رابطه دیالکتیکی، «سرمایه» جایگاهی ویژه دارد. افراد با قرار گرفتن در میدان‌های مختلف، از میزان‌های متفاوتی از سرمایه‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) و در نهایت عادت‌واره‌ها برخوردار می‌شوند که منبع اصلی نگرش‌ها، سلیق، ارزش‌ها، انتخاب‌ها و در نهایت رفتارهای خودآگاه و ناخودآگاه است. باروری به مثابه یک رفتار اجتماعی، و نگرش‌ها نسبت به تعداد و جنسیت فرزندان بشدت تحت تاثیر سرمایه‌ها و عادت‌واره‌های والدین قرار دارد.

مفهوم سرمایه از غنی‌ترین و کاربردی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی عصر حاضر می‌باشد (توسلی، ۱۳۸۴: ۱). از نظر بوردیو سرمایه هر آن چیزی است که می‌تواند در حیطه خاصی اثر بگذارد و به اشخاص این امکان را بدهد تا با استفاده از آن و از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن، سود خاصی را نصیب خود کنند و به اهداف مورد نظرشان دست یابند (استونز^۲، ۱۹۹۸: ۲۲۱). سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی از مفاهیم مهم در علوم اجتماعی به حساب می‌آیند که می‌توانند بر همه جنبه‌ها و تصمیمات بشری (مانند فرزندآوری) تأثیرگذار باشند. سرمایه فرهنگی یکی از اشکال سرمایه غیرمادی است که شامل عادت‌ها و گرایش‌ها، تصویب‌شده در طول فرایندهای مداوم اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری و همچنین صلاحیت‌ها، لیاقت‌ها و فرهیختگی‌های آموزشی می‌شود (نوغانی، ۱۳۸۳: ۱۷). از نظر بوردیو خانواده و طبقات اجتماعی از پایگاه‌های اصلی سرمایه فرهنگی به حساب می‌آیند (گیدنز^۳، ۱۳۷۸: ۷۵). میزان دسترسی افراد به سرمایه فرهنگی موجب بروز نوع خاصی از سبک زندگی در آنان می‌شود

1 Bourdieu

2 Stones

3 Giddens

(ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶). تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی افراد را می‌توان به این صورت تصویر کرد که با افزایش سرمایه فرهنگی والدین، تصمیم آن‌ها برای صرف‌توان و سرمایه بیش‌تر جهت تربیت، آموزش و تحصیلات فرزندان و ارتقاء سرمایه فرهنگی آن‌ها بیش‌تر می‌شود. دلیل چنین رفتاری از سوی والدین، تفسیری از وضعیت موجود در جامعه است که بر مبنای آن تصور می‌شود. ممتازترین موقعیت‌های اجتماعی نصیب افرادی می‌شود که دارای بیش‌ترین میزان تحصیلات، دانایی، شناخت، ادراک از مسائل گوناگون و به‌طور کل سرمایه فرهنگی بالاتر هستند. این والدین، زمانی که از سرمایه اقتصادی کم‌تر برخوردار باشند (والدینی با سرمایه فرهنگی بالا و سرمایه اقتصادی پایین) ناگزیر دست به انتخاب خواهند زد و از کمیت فرزندان کاسته و به کیفیت تربیتی، تحصیلی و آموزشی آنان اضافه خواهند کرد. در این بین، مادران جایگاهی کلیدی در تحلیل تأثیر «سرمایه» و «عادتواره» بر میزان فرزندآوری خانواده‌ها دارند؛ به‌ویژه آنکه جامعه ایران در دهه‌های اخیر در حوزه زنان از لحاظ اجتماعی فرهنگی تحولاتی ژرف را از سر گذرانده است (در زمینه تحولات اجتماعی-فرهنگی در حوزه زنان در دهه‌های اخیر به‌عنوان نمونه بنگرید به کلاتنری و دیگران، ۱۳۸۹ عباسی‌شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲؛ پیلتن و رحمانیان، ۱۳۹۴، اسحاقی، ۱۳۹۳؛ جهانگیری و دیگران ۱۳۹۳؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۳).

تجربه مدرنیته ایرانی به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، دلالت‌هایی بر ارتقا خودآگاهی زنان ایرانی دارد که خود ناشی از عوامل متعددی همچون موارد زیر است: افزایش میزان تحصیلات زنان، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت زنانه (در مقابل ایدئولوژی رسمی حاکمیت)، تلقی دانشگاه‌ها از سوی خانواده‌های ایرانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های مشروع حوزه عمومی برای حضور دختران جوان. در واقع، جامعه سنتی محافظه‌کار ایران در دهه‌های بعد از انقلاب تغییراتی را در ارزش‌ها و نگرش‌های زنان نسبت به زندگی تجربه کرده است که تبعاتی همچون بالا رفتن سن ازدواج در بین زنان، از میان رفتن قبح طلاق به‌ویژه در بین زنان، شکل‌گیری الگوهای جدید همسرپایی و ازدواج، افزایش میزان تحصیلات زنان و کاهش میزان فرزندآوری در بین زوج‌های جوان را در پی داشته است. به زبانی دیگر، مبارزه زنان برای ارتقا

جایگاه‌شان در میدان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به تغییراتی در وضعیت سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها شده است که خود منبعی برای رفتارهای زنان ایرانی و از جمله تغییرات در میزان باروری در بین آن‌ها شده است.

پژوهش حاضر با اتکا به رویکرد بوردیو در پی بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی زنان متأهل ایرانی بر میزان باروری آن‌ها در استان گیلان به‌عنوان استانی با پایین‌ترین میزان باروری در کشور است. این مهم، با توجه به لزوم شناخت دقیق عوامل مؤثر بر تغییرات جمعیتی و رفتار باروری و فقدان پژوهش‌ها بر روی تأثیر انواع سرمایه و به‌ویژه سرمایه فرهنگی و اقتصادی بر رفتار باروری زنان، اهمیتی دو چندان می‌یابد. با عنایت به مطالب پیش‌گفته، هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی سرمایه فرهنگی زنان شهر رشت و تأثیر آن بر رفتار باروری آنان است. از این رو سوال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه «سرمایه فرهنگی زنان در شهر رشت تا چه اندازه می‌تواند رفتار باروری آنان را پیش‌بینی کند»؟

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در ابعاد مختلف بر روی باروری انجام شده که در بسیاری از آن‌ها به برخی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی به‌ویژه مؤلفه تحصیلات توجه شده، اما پژوهش‌هایی که به مفهوم سرمایه فرهنگی مستقیماً توجه کرده باشند اندک است. به‌عنوان مثال، در پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور مولینز^۱ (۲۰۱۸) نشان داد که مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی از جمله ایدئولوژی‌های جنسیتی بزرگ‌ترین پیش‌بینی کننده رفتار باروری هستند. طبق یافته‌های ویکرام^۲ (۲۰۱۲) سرمایه اجتماعی تأثیر قابل‌توجهی بر باروری دارد، هر چند این تأثیر بر اساس نوع سرمایه اجتماعی (توسعه‌ای و سنتی) متفاوت است. علاوه بر این سرمایه فرهنگی زنان، یعنی توانایی‌های ارتباطی بیش‌تر، اعتماد به نفس و تحصیلات با باروری مرتبط است. اگرچه رابطه دو متغیر اول با باروری معنادار نیست اما تحصیلات زنان رابطه منفی مورد انتظاری با خواستن

1 Mullins

2 Vikram

فرزند سوم دارد. یافته‌های دریب^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، نشان‌دهنده این امر است که طبقات نخبه و متوسط رو به بالا در اوایل دوره گذار باروری خالص^۲ پایین قابل توجهی داشتند. این الگوها پس از کنترل طیف وسیعی از عوامل تعیین‌کننده باروری در سطح فردی و اجتماعی باقی ماندند. ادھیکاری^۳ (۲۰۱۰)، دریافت که هرچه زنان از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در وضعیت مطلوب‌تری باشند باروری کم‌تری در آنان مشاهده می‌شد. وضعیت سواد زنان، مذهب، رسانه‌های جمعی، محل اقامت، سن در اولین ازدواج، به‌کارگیری روش‌های تنظیم خانواده و مرگ‌ومیر فرزندان از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده واریانس باروری در این تحقیق بود. طبق یافته‌های بوهرلر و فیلیپوی^۴ (۲۰۰۵)، در دسترس بودن منابع سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر روی داشتن فرزند دوم یا سوم و زمانبندی داشتن فرزند اول یا دوم دارد. اگرچه رابطه منفی بین اشتغال زنان و میزان باروری در بسیاری از تحقیقات انجام شده قبل از دهه ۱۹۸۰ تایید شده است. اما مطالعات انجام شده بعد از این دهه در کشورهای اروپایی نشان دادند که بین این دو متغیر همبستگی مثبتی وجود دارد (فطرس و همکاران ۱۳۹۶). در این زمینه شواهد و داده‌های بهرمن و گونالون-پونز^۵ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که رابطه منفی بین اشتغال زنان و باروری فقط برای اشتغال غیرکشاورزی صادق است. همچنین هیلگمن و باتس^۶ (۲۰۰۹) ضمن نشان دادن رابطه منفی بین اشتغال و باروری، اشاره می‌کنند اما در عین حال نتیجه می‌گیرند که استفاده از خدمات مراقبت کودک ممکن است این رابطه منفی را کاهش دهد. از نظر ماتسیاک و ویگنولی^۷ (۲۰۱۳) رابطه متقابل بین فرزندآوری و عرضه نیروی کار زنان به عوامل خاص هر جامعه‌ای بستگی دارد. برای این منظور، آن‌ها ایتالیا و لهستان را مقایسه می‌کنند و نشان می‌دهند که اشتغال

1 Dribe

۲ net fertility (باروری خالص عبارت است از باروری تعدیل یافته برای مرگ‌ومیر در پنج سال اول زندگی و در واقع همان میزان تجدید نسل خالص)

3 Adhikari

4 Buhler & Philipoy

5 Behrman & Gonalons-Pons

6 Hilgeman & Butts

7 Matysiak & Vignoli

زنان به وضوح با فرزندآوری در ایتالیا در تضاد است، در حالی که در لهستان، زنان تصمیم دارند این دو فعالیت را با وجود مشکلات مشابهی که با آن مواجه هستند ترکیب کنند. از نظر آن‌ها، این نتایج تبیین‌های استاندارد اقتصاد خرد را به چالش می‌کشند و به اهمیت عوامل خاص هر کشوری، در شکل‌دهی تصمیم‌های اشتغال و باروری زنان، مانند انگیزه‌های اقتصادی یا الگوهای رفتاری ریشه‌دار فرهنگی اشاره می‌کنند. همچنین برناردی و کلنر^۱ (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که همه مؤلفه‌های اجتماعی مانند یادگیری اجتماعی، فشار اجتماعی بر هنجارها و باورهای افراد درباره فرزندآوری و حمایت اجتماعی، بر درک والدین و بالانحص زنان در مورد باروری اثرگذار می‌باشند. تأثیر حقیقی این مؤلفه‌ها بر سرعت فرزندآوری و مقدار این مؤلفه‌ها به ساختار متقابل اجتماعی بستگی خواهد داشت. دریز و مارتی^۲ (۲۰۰۰)، نشان دادند که شاخص‌های کلی مدرنیته از قبیل شهرنشینی و باسوادی مردان رابطه معناداری با باروری نداشته‌اند.

در پژوهش‌های داخلی اگرچه توجه مستقیم به رابطه متغیر سرمایه فرهنگی با باروری کم‌تر بوده اما، در بسیاری از تحقیقات به مؤلفه‌های این نوع سرمایه توجه شده است. به‌عنوان مثال، طبق پژوهش کاوه و همکاران (۱۳۹۶) متغیر مشارکت اجتماعی و مصرف فرهنگی به ترتیب بیش‌ترین اثر را بر باروری داشته است، یعنی زوجینی که مشارکت اجتماعی بالاتری داشتند بیش‌تر خواهان پذیرش فرزند و باروری بوده‌اند، همچنین هرچه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نهادی بیش‌تر باشد، افراد تصمیم کم‌تری به فرزندآوری داشته‌اند. طبق پژوهش فیروزبخت و همکاران (۱۳۹۶) بین رفتارهای باروری زنان و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. زنانی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشتند زمان بارداری آنان پس از ازدواج نسبتاً ۳۰ درصد کوتاه‌تر از زنانی بود که سرمایه اجتماعی پایین‌تری داشتند. جمشیدی‌ها و همکاران (۱۳۹۰)، تفاوت‌های معناداری در باروری زنان از جهت میزان درآمد خانوار، وضعیت تحصیلات و اشتغال زنان مشاهده کردند. طبق یافته‌های حمیدی گنجه (۱۳۹۰)، افزایش میزان تحصیلات و اشتغال زنان سبب کاهش تصمیم آنان به داشتن فرزند دوم می‌شد اما پایگاه اجتماعی و اقتصادی

1 Bernardi & Klarner

2 Dreze & Murthi,

نمونه‌ها تأثیر معناداری بر تصمیم زنان در به دنیا آوردن فرزند دوم نداشت. طبق یافته‌های قدرتی و همکاران (۱۳۹۰)، متغیر تحصیلات اثر منفی بر روی باروری داشت یعنی هر چه میزان تحصیلات زنان بیش‌تر باشد تصمیم به باروری در آن‌ها کم‌تر است، رابطه متغیر عضویت در گروه‌های رسمی با باروری مثبت بود. همچنین ارتباط معنادار منفی میان محل سکونت افراد و میزان باروری در آن‌ها مشاهده شد. براساس یافته‌های عباسی شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲)، رابطه بین تأثیر استقلال زنان و تصمیم به فرزندآوری معنادار نبود. اما با افزایش تحصیلات زنان و همچنین مشارکت اجتماعی آنان گرایش به داشتن فرزند در آنان کاهش می‌یابد. کنعانی و سعادت‌بخشی (۱۳۹۳)، به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های فردی شدن در کاهش باروری افراد اثرگذار است. بر طبق نتایج تحلیل رگرسیون این تحقیق متغیرهای آشنایی اولیه زوجین، الگوهای همسرگزینی، تحصیلات و اشتغال زنان نقش مهمی در تبیین متغیر وابسته تحقیق داشته‌اند. طبق یافته‌های قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۳) سطح تحصیلات زنان مهم‌ترین عامل در سن ازدواج، به کارگیری نوع وسایل پیش‌گیری از بارداری، تعداد فرزند، تعداد فرزندان ایده‌آل و ترجیح جنسی فرزند بوده است. همچنین میزان درآمد و هزینه خانواده، مرتبه شغلی زن و همسرش و پایگاه اجتماعی-اقتصادی زوجین، در تغییر نگرش به نوگرایی و رفتار باروری زنان مؤثر بوده است. پژوهان و کمالی‌ها (۱۳۹۴) مشاهده کردند که بین فشار فرهنگی، مذهب، قومیت، هنجارها، وسایل پیش‌گیری، ترجیح جنسی، باروری و تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد. طبق یافته‌های حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) متغیرهای آزادی انتخاب، تحصیلات، افول ارزش‌های سنتی، سن ازدواج و فردی شدن روند فرزندآوری را کاهش داده است. بنابراین زنان در دو راهی مخاطرات فرزندآوری و علاقه به داشتن فرزند، کم‌فرزندآوری را بر می‌گزینند. حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق دیگری اساسی‌ترین دلایل اشخاص برای بی‌فرزندگی را به پنج بخش تقسیم کردند: مسئولیت‌های فراوان پدر و مادری، محدودیت‌های زناشویی فرزند برای والدین خود، هزینه‌های بالای داشتن و پروراندن فرزند، محدودیت‌های اجتماعی فرزند برای والدین و مخاطره‌های بارداری برای بانوان. براساس یافته‌های رضایی نسب و فتوحی

(۱۳۹۶) رضایت از زندگی زناشویی، نگرش در مورد استفاده از وسایل پیش‌گیری از بارداری، سن ازدواج و طول مدت ازدواج بر میزان باروری زنان تأثیرگذار بوده‌اند، اما تحصیلات، درآمد خانواده، ترجیح جنسیتی و تقدیرگرایی تأثیر معناداری بر باروری نداشتند. یافته‌های ایدر و تقوایی‌فرد (۱۳۹۷) نشان دادند که اشتغال زنان، نوع مشاغل، درآمد خانواده‌ها، سطح تحصیلات همسر و سطح تحصیلات زنان بر تغییرات باروری تأثیرگذار بوده است. در برخی از مطالعات به غیر از رابطه عوامل فرهنگی با باروری به رابطه این عوامل با متغیرهای نگرشی و به‌ویژه ارزش فرزندان توجه شده است. به‌عنوان نمونه هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است.

در مجموع در ارتباط با تحقیقات پیشین می‌توان گفت که در باب موضوع مورد مطالعه (رابطه سرمایه فرهنگی و رفتار و تصمیم باروری زنان)، به جز یک مورد (کاوه و همکاران ۱۳۹۶) در داخل کشور و چند مورد در خارج کشور مولینز (۲۰۱۸)، ویکرام (۲۰۱۲) و ادھیکاری (۲۰۱۰)، مطالعات چندانی که مستقیماً با سنجش مفهوم سرمایه فرهنگی به بررسی رابطه آن با باروری پردازد چندان یافت نشد. علاوه بر خلاء تحقیقاتی ضرورت پژوهش در این زمینه بیشتر به لحاظ تغییرات فرهنگی گسترده‌ای است که در جامعه ایران در دهه‌های اخیر صورت گرفته و این تغییرات با توجه به خلاء تحقیقاتی ضرورت انجام تحقیق در زمینه رابطه این دو متغیر را بیشتر نموده است. اغلب تحقیقات انجام شده این تغییرات فرهنگی را بر اساس تحصیلات مورد سنجش قرار داده‌اند و به مفهوم سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌ها و ابعاد تشکیل دهنده آن پرداخته نشده است. بر طبق نتایج اکثر تحقیقات انجام شده در این موضوع، هرچه افراد از لحاظ سطح تحصیلات و مدرک تحصیلی به درجات بالاتری رسیده باشند میزان تصمیم آنان به داشتن فرزند کاهش می‌یابد و در بین افرادی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، میزان باروری بیشتری مشاهده شده است.

چارچوب نظری

همان‌طور که در بیان مسئله مطرح گردید تحولات باروری در ایران طی دهه‌های اخیر به‌عنوان سریع‌ترین گذار باروری در جهان تعبیر شده است. از آنجایی که هیچ تحولی در یک پدیده اجتماعی مانند باروری نمی‌تواند خارج از تحولات عمومی جامعه مورد مطالعه باشد لازم است که این تحولات در چارچوب کلی تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر مورد بازبینی قرار گیرد تا بتوان دیدگاه روشن‌تری در مورد این تحولات حاصل نمود.

اگرچه رشد سریع جمعیت در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ موجب شکل‌گیری و اجرای اولین دوره سیاست جمعیتی از سال ۱۳۴۶ گردید اما اجرای آن‌ها بر روی تحولات جمعیتی نسبتاً محدود بود. در عوض با رویداد انقلاب اسلامی و امیدی که برای بهبود وضعیت جامعه در مردم ایجاد گردید موجب شد تا روند نزولی اندک باروری در دوره - ۵۵-۱۳۴۵ به روند صعودی شتابان آن در دوره ۶۵-۱۳۵۵ تبدیل گردد. اما از همان اواسط دهه ۱۳۶۰ و حتی پیش از آغاز سیاست‌های جمعیتی بعد از انقلاب، نشانه‌های کاهش باروری مشاهده شد و با آغاز سیاست‌های جمعیتی و آغاز اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در ایران در اواخر این دهه و آغاز دهه ۱۳۷۰ این روند شدت پیدا کرد. طبق این فرایند میزان باروری کل که در سال ۱۳۶۵ برابر با ۶/۳ فرزند بود در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ به ترتیب به ارقام ۲/۶، ۱/۸ و ۲/۰۱ فرزند برای هر زن رسید. این میزان در سال ۱۳۹۹ به عدد ۱/۵ فرزند رسیده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۹: ۵۳). در واقع، در طول این سال‌ها، کشور شاهد تحولات عمیقی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. از یک سو آغاز سیاست‌های جمعیتی برابر بود با آغاز سیاست تعدیل اقتصادی نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ و همچنین اجرای سیاست گسترش آموزش و پرورش و آموزش عالی به‌ویژه برای زنان.

تحولات اجتماعی، فرهنگی به‌ویژه از زاویه مباحث جنسیتی به‌گونه‌ای بود که شمار زنان باسواد از اوایل دهه ۱۳۷۰ به شدت افزایش یافت. با نگاهی کل‌نگرانه، روند تغییرات در میزان باسوادی زنان در قرن حاضر به‌گونه‌ای بود که گرچه سهم زنان دانشجو از کل جمعیت

دانشجویی در ابتدای قرن حاضر شمسی بسیار اندک بود، اما در طی سال‌های بعد سهم آنها روند افزایشی به خود گرفت به طوری که در سرشماری ۱۳۴۵ از کل محصلین دانشگاهی ۲۰/۷ درصد و در سرشماری ۱۳۵۵ نیز ۳۱/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. در دوره پس از انقلاب افزایش جمعیت دانشجویان دختر سرعت بیش‌تری گرفت به گونه‌ای که در سرشماری ۱۳۸۵ سهم دانشجویان دختر از کل دانشجویان به رقم ۵۱/۲ درصد و در سرشماری ۱۳۹۵ به ۴۶/۳ درصد رسید. لازم به ذکر است که تعداد دانشجویان زن دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از سرشماری ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ بیش از ۳۷ برابر شده است. (در مورد روند افزایش دانشجویان زن در دهه‌های گذشته علاوه بر سرشماری‌ها بنگرید به آمار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی <https://irphe.ac.ir>). علی‌رغم چنین افزایشی در زمینه تحصیلات زنان، میزان به کارگیری زنان در فعالیت‌های اقتصادی از رشد چندانی برخوردار نبوده است. در سال ۱۳۳۵ میزان مشارکت اقتصادی زنان ۹/۲۲ درصد بود که در سال ۱۳۹۵ به ۱۳/۲ درصد افزایش یافته است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۹۵). مجموعه سیاست‌ها و روندهای اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی فوق‌الذکر موجب تحولات عمیقی در خانواده، قشربندی اجتماعی، پایگاه اجتماعی زنان به واسطه افزایش سرمایه فرهنگی زنان گردید.

بوردیو در توضیح مفهوم سرمایه فرهنگی آن را یکی از چهار نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین موجود در جامعه می‌داند.^۱ در عملیاتی‌سازی مفهوم سرمایه فرهنگی، این مفهوم به‌عنوان نشانه‌های فرهنگی نهادینه شده، شامل نگرش‌ها، ترجیحات، دانش رسمی، رفتارها، کالاها و مدارک مورد استفاده تعریف شده است (لامونت و لارو، ۱۹۸۸، به نقل از ویکرام، ۲۰۱۲: ۶). این سرمایه در زنان می‌تواند در کنش، رفتار، دانش و سبک‌های ارتباطی منعکس شود (لارو، ۲۰۰۳، نقل از ویکرام، ۲۰۱۲: ۶). به نظر می‌رسد سرمایه فرهنگی مولد

۱ به باور بوردیو سرمایه اقتصادی شامل تمامی درآمدها، دارایی‌ها و منابعی می‌شود که ارزش پولی دارند و مستقیماً قابلیت تبدیل شدن به پول هستند. سرمایه‌ای که شخص از طریق پیوندها و شبکه‌های ارتباطی با گروهی از افراد به دست می‌آورد سرمایه اجتماعی است. بنابراین سرمایه اجتماعی به شبکه اجتماعی و افرادی که فرد می‌شناسد وابسته است و توزیع این سرمایه با طبقه‌ای که فرد در آن قرار دارد مرتبط است (گرنفل، ۱۳۸۸: ۳۳۳).

ارزش‌هایی است که می‌توانند به زندگی معنا بخشند و به آن شکل دهند (کلمر، ۲۰۰۲: ۴۶۷، به نقل از دالزیل و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۰). افزایش این سرمایه نحوه مواجهه زنان با جهان اجتماعی را تغییر داده و بر تصمیمات مهمی نظیر فرزندآوری نقش بسزایی دارد.

طبق نظریه بوردیو سه نوع سرمایه فرهنگی وجود دارد:

الف- سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (سرمایه بدنی و فردی): که از طریق جامعه‌پذیری از والدین به فرزندان منتقل می‌شود و به‌عنوان تصمیمات پایدار و طولانی‌مدت ذهن و جسم تجسم می‌یابد و از بدو تولد در وجود فرد شکل می‌گیرد (بوردیو، ۱۳۹۳: ۳۳۳). این سرمایه به شکل پرورش، تیمار، فرهنگ و تربیت در افراد انباشته می‌شود و به صورت آمادگی‌های مداوم جسم و ذهن تجلی پیدا می‌کند و در سطح فردی شامل نگرش، مهارت، آگاهی و دانش می‌شود (تاج، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

ب- سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: این سرمایه بیش‌تر از طریق تملک و یا مصرف کالاها و اشیای فرهنگی نظیر کتاب، تابلوی نقاشی، فرهنگ لغات، وسایل سخت‌افزاری مانند ماهواره، لپ‌تاپ، کامپیوتر به صورت دارایی فرد نمود می‌یابد و قابل انتقال به غیر است (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۶۹).

ج- سرمایه فرهنگی نهادینه شده: این نوع سرمایه فرهنگی در قالب آموزش در افراد نهادینه می‌شود و از طریق انواع مدارک تحصیلی در ارتقاء جایگاه اجتماعی اشخاص مؤثر است؛ مواردی چون داشتن مدارک تحصیلی و گواهی‌نامه‌های معتبر فنی و حرفه‌ای شامل این نوع از سرمایه می‌شود (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۶۹).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود سرمایه فرهنگی اشکال گوناگونی چون نهادینه‌شده (مدارک تحصیلی آموزشی، غیرقابل انتقال)، تجسم‌یافته (مشارکت‌های فرهنگی) و عینیت‌یافته (مالکیت کالاهای فرهنگی به‌عنوان نوعی از سرمایه اقتصادی) به خود می‌گیرد (بوردیو، ۱۹۸۶، نقل قول از کارلیزل و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۹). سرمایه فرهنگی، به‌ویژه در شکل مجسم و نهادینه‌شده آن، می‌تواند زنان را قادر سازد تا از آگاهی بالاتر، اطلاعات مفیدتر و انتخاب‌های بیش‌تری در

تصمیمات زندگی و بالاخص باروری بهره‌مند باشند. این توانایی ممکن است زنان را قادر سازد تا تصمیمات آگاهانه‌تر و کنترل بیشتری در مورد ابعاد خانواده، استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری، ترجیحات باروری و میزان آن داشته باشند.

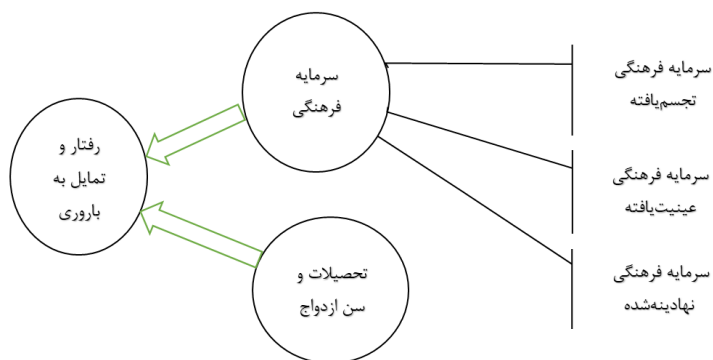
با افزایش سرمایه فرهنگی خانواده‌ها والدین مایلند سرمایه بیش‌تری را صرف تربیت، آموزش و پرورش فرزندان خود کنند؛ به همین دلیل خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالاتر از میزان باروری پایین‌تر، ترجیحات جنسیتی کمتر در فرزندآوری و تبدیل سرمایه‌های اقتصادی خانواده به سرمایه‌های فرهنگی فرزندان اهمیت می‌دهند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۵۵).

هم‌راستا با تغییرات پیش‌گفته، از سال‌های ۱۳۶۸ در پی اتمام جنگ، رحلت امام و اتخاذ سیاست تعدیل ساختاری (اجرای سیاست‌های بانک جهانی) از سوی نظام، تغییرات جدی در سیاست‌های اجتماعی و رفاهی آغاز شد. این دوره مصادف بود با ریاست جمهوری آقای رفسنجانی که کاهش تصدی‌گری دولت بر اقتصاد و خصوصی‌سازی آن، کنار رفتن سیاست‌های رفاهی حمایتی برای کاهش هزینه‌های عمومی دولت، کاهش دخالت‌های دولت در فرایندهای بازار و آزادسازی نرخ ارز (افزایش قیمت کالاها و خدمات و کاهش سطح زندگی عموم مردم) را در پی داشت. محققین، این تحولات ساختاری در سیاست، اقتصاد و کلیت جامعه را آغاز ورود ایران به دوره نولیبرالیسم می‌دانند (بهداد و نعمانی، ۱۳۸۷). از آن دوره تاکنون، دولت‌های مختلف با تفاوت‌هایی در چارچوب همین سیاست‌ها عمل کرده‌اند. خصوصی‌سازی دولتی کارخانجات، مدارس، دانشگاه‌ها، خدمات عمومی و خدمات انتظامی، همراه با ظهور اشکال ناپایدار کار و قراردادهای کوتاه‌مدت کاری در چارچوب سازمان کار نئولیبرالی، از آن زمان تاکنون رابطه شاغلین با کار را تغییر داده است. در چنین وضعیتی، کاهش جذب نیرو، تعدیل نیرو و اولویت نیروی کار مردان بر زنان (به دلیل سیاست‌های حاکمیت و همچنین ساختار پدر/مردسالار جامعه) عملاً میزان اشتغال زنان را با وجود افزایش میزان تحصیلات آن‌ها بهبود بخشیده است. در حقیقت، با وجود تغییرات در جایگاه اجتماعی زنان و افزایش سرمایه فرهنگی آن‌ها، در نتیجه اجرای سیاست‌های نولیبرال از سال‌های ۱۳۶۸، موقعیت اقتصادی زنان

همچنان تغییر چندانی نکرده است. نتیجه این امر، عدم افزایش حضور زنان تحصیل‌کرده در بازار کار و محدود شدن فعالیت آن‌ها به نقش همسری و مادری است. این امر، در مفصل‌بندی با روند رو به کاهش سطح زندگی عمومی مردم به‌ویژه از دولت دوم آقای احمدی‌نژاد به بعد، منجر به واکنش رادیکال در امر فرزندآوری در سطح خانواده‌های ایرانی شده است.

در مجموع می‌توان گفت که زنان ایرانی با میزان بالایی از سرمایه آموزشی و فرهنگی که آن را می‌توان در نگرش‌های مدرن به زندگی، خانواده و فرزندان و به‌ویژه در سه بعد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته، نهادینه شده) ملاحظه کرد با پیش‌بینی روند آتی زندگی در موقعیت نولیبرالی، ریسک فرزندآوری را بسیار بالا برآورد کرده و عملاً با رویکردی «خرده بورژواآبانه»^۱ سعی در حفظ سطح زندگی از طریق کاهش هزینه‌های زندگی به واسطه فرزندآوری کمتر و یا با بی‌فرزندگی نموده‌اند. در واقع، در واکنش به اجرای مستمر سیاست‌های نولیبرال از سوی حاکمیت، خانواده‌های ایرانی - با محوریت زنان - در سطح خانواده‌های خود عملاً سیاست‌های نولیبرال (کاهش هزینه‌های زندگی با کاهش تعداد فرزندان) را اتخاذ کرده‌اند. به همین دلیل در این تحقیق فرضیه اول و اصلی وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی با رفتار باروری است و برای تبیین دقیق‌تر این رابطه وجود رابطه بین باروری و ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) به‌عنوان فرضیات فرعی نیز مورد آزمون و سنجش قرار گرفت. علاوه بر این‌ها، فرضیه دوم این تحقیق در ارتباط با وجود تفاوت در تصمیم زنان به باروری در آینده با توجه به سرمایه فرهنگی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱ بوردیو (۱۳۹۳) در توصیف منش فرزندآوری خرده بورژوازی، آن را به مثابه تلاش برای کاهش هزینه‌های زندگی تعبیر می‌کند: یکی از ویژگی‌های متناقض خرده بورژواها تظاهر به داشتن شانس‌هایی برای صعود و افزودن نوعی تقویت «عاطفی و روانی» به نیرو و سرمایه اقتصادی و فرهنگی خود است. آن‌ها برای دستیابی به این هدف، باید منابعی برای جبران فقدان سرمایه بیابند. این منابع یا به شکل «پس‌انداز» - که به معنای صرفه‌جویی و امتناع از خرج کردن است - یا به صورت کنترل مولید می‌تواند حاصل گردد (بنگرید به بوردیو، ۱۳۹۳: ۴۵۸). در چند دهه اخیر در ایران کاهش سطح زندگی مردم، خانواده‌ها را به جهت‌گیری مشابه با جهت‌گیری که بوردیو در زمینه فرزندآوری «خرده‌بورژواآبانه» می‌نامد سوق داده است.



روش و داده‌های تحقیق

این پژوهش بر رهیافت کمی و روش پیمایش استوار است. جامعه آماری شامل کلیه زنان ۱۵-۴۹ ساله حداقل یک بار ازدواج کرده شهر رشت در سال ۱۴۰۰ است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جامعه آماری تحقیق ۲۹۹۲۴۳ زن است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و احتمال خدشه در برخی از پرسشنامه‌ها، تعداد ۴۰۰ نمونه تعیین گردید. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم بر اساس نحوه توزیع نسبی جمعیت در مناطق پنج‌گانه شهر رشت استفاده گردید. پس از تعیین نسبت طبقات نمونه‌گیری، تعداد نمونه در منطقه ۱ (۱۰۶)، منطقه ۲ (۶۲)، منطقه ۳ (۸۷)، منطقه ۴ (۱۰۹) و منطقه ۵ (۳۶) نفر برآورد شد. سپس از هر منطقه تعدادی از محلات به صورت تصادفی ساده انتخاب و در هر محله برحسب سهم از نمونه تعدادی خیابان و در هر خیابان تعدادی کوچه و در هر کوچه تعدادی خانوار انتخاب گردید. در هر خانوار منتخب یک زن ازدواج کرده به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام کرد. پس از بازبینی پرسشنامه‌ها در نهایت ۳۹۱ پرسش‌نامه کامل به دست آمد. پرسش‌نامه مورد استفاده از نوع محقق ساخته و دارای سؤالاتی باز و بسته به صورت طیف لیکرت بود.

در این پژوهش دو مفهوم (متغیر) «رفتار باروری» و «سرمایه فرهنگی» متغیرهای کلیدی هستند. اولی به‌عنوان متغیر ملاک و دومی به‌عنوان متغیر پیش‌بین مورد استفاده قرار گرفته است. رفتار باروری در تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده هر زن در طول عمر تبلور می‌یابد. برای

سنجش رفتار باروری زنان سؤالی در رابطه با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده آنان تا زمان تحقیق (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ملتفت و همکاران، ۱۳۹۸) به صورت بازپاسخ و فاصله‌ای پرسیده شد. سرمایه فرهنگی شکلی از سرمایه غیراقتصادی و غیرمادی است که شامل عادت‌ها و گرایش‌های تصویب‌شده در طول فرایندهای اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری و همچنین صلاحیت‌ها، لیاقت‌ها و فرهیختگی‌های آموزشی می‌شود (بورديو، ۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی به طرق گوناگون از جمله خانواده، آموزش‌های رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها و شغل به فرد آموزش داده می‌شود، قدرت تثبیت دارد و اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد: نهادینه‌شده (مدارک تحصیلی آموزشی، غیرقابل انتقال)، تجسم‌یافته (مشارکت‌های فرهنگی) و عینیت‌یافته (مالکیت کالاهای فرهنگی به‌عنوان نوعی از سرمایه اقتصادی) (بورديو، ۱۹۸۶، به نقل از کارلیزل و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۹). برای سنجش سرمایه فرهنگی گویه‌ها و سؤالاتی در قالب ابعاد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده به صورت عملیاتی طراحی شد؛ سؤالاتی چون سطح تحصیلات، آشنایی با زبان خارجه، بازدید از آثار هنری، تاریخی و موزه‌ها، آشنایی با زندگی‌نامه افراد مشهور ایرانی، علاقه به تماشای فیلم، سینما، تئاتر و کنسرت، میزان دارایی آثار هنری چون مجسمه، انجام فعالیت‌های ورزشی، داشتن مدرک زبان، ورزش و

برای سنجش اعتبار و پایایی سؤالات پرسشنامه و گویه‌های به کار گرفته شده در سنجش متغیرهای تحقیق تعداد ۳۵ پرسش‌نامه به طور تصادفی توزیع شد. اعتبار پرسشنامه به دو روش صوری (تأیید چند متخصص علوم اجتماعی) و سازه‌ای (تحلیل عاملی) سنجیده شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی بر اساس دو آزمون KMO (بیش از ۰/۷) و بارتلت (کمتر از ۰/۰۵) نشان‌دهنده این امر است که گویه‌های پرسشنامه برای سنجش متغیرهای تحقیق از اعتبار سازه مناسبی برخوردارند. همچنین پایایی هر یک از ابعاد سرمایه فرهنگی بالاتر از حد نصاب (آلفا بالاتر از ۰/۷) نشان‌دهنده سطح مطلوب همگنی گویه‌ها است.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق و سنجش اعتبار و پایایی آن‌ها

نام متغیر	نوع متغیر	تعداد گویه	مقیاس	پایایی کرونباخ	مقدار kmo	سطح معناداری بارتلت
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	پیش‌بین	۸	ترتیبی	۰/۸۹	۰/۸۵۵	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	پیش‌بین	۱۲	ترتیبی	۰/۹۱	۰/۸۸۴	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	پیش‌بین	۴	ترتیبی	۰/۶۷	۰/۶۵۰	۰/۰۰۰
تحصیلات	پیش‌بین	۱	فاصله‌ای	-	-	-
سن ازدواج	پیش‌بین	۱	فاصله‌ای	-	-	-
رفتار باروری	ملاک	۱	فاصله‌ای	-	-	-

یافته‌ها

(۱) سیمای نمونه تحقیق

در این بخش نخست یافته‌های توصیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌های به دست آمده حاکی از آن است که نزدیک به ۳۳ درصد از زنان مورد مطالعه فاقد فرزند و بالای ۲۷ درصد تنها دارای یک فرزند هستند (جمعاً حدود ۶۰ درصد). نمونه‌های دارای ۲، ۳، ۴ و ۵ فرزند و بیش‌تر به ترتیب ۱۷/۴، ۱۴/۸، ۶/۶ و ۱ درصد از کل نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند. بررسی‌های بیش‌تر حاکی از آن است که تصمیم به باروری در آینده در نمونه‌های مورد مطالعه بسیار پایین است، به طوری که نیمی (۴۸/۴ درصد) از زنان بی‌فرزند، ۵۷/۹ درصد از زنان دارای یک فرزند، ۷۵ درصد از زنان دارای ۲ فرزند و تمامی زنان دارای ۳ فرزند و بیش‌تر تصمیمی به فرزندآوری در آینده ندارند.

توصیف داده‌های به دست آمده در مورد تصمیم به فرزندآوری برحسب گروه‌بندی سنی به گونه‌ای است که در میان زنان ۱۹-۱۵ ساله حدود ۶۷ درصد اظهار داشته‌اند که تصمیمی به

فرزندآوری در آینده ندارند. درصد عدم تصمیم به فرزندآوری در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۲۵-۲۹ ساله به ترتیب ۵۴/۱ درصد و ۴۶/۵ درصد است که نشان‌دهنده عدم تصمیم نصف جمعیت زنان در سنین اوج باروری به فرزندآوری در آینده است^۱. در گروه‌های سنی بالاتر به دلیل نزدیک شدن به پایان دوران باروری عدم تصمیم به فرزندآوری شدیداً افزایش می‌یابد، به گونه‌ای که در میان زنان ۳۰-۳۴ ساله، ۳۵-۳۹ ساله و ۴۰-۴۴ ساله درصد عدم تصمیم به فرزندآوری در آینده، به ترتیب به ۶۰/۵ درصد، ۷۵/۹ درصد و ۹۷/۱ درصد و در آخرین گروه سنی به ۱۰۰ درصد می‌رسد.

کنکاش در داده‌ها حاکی از آن است که با بالاتر رفتن میزان تحصیلات زنان رفتار باروری آن‌ها تغییر کرده و تعداد فرزندان آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد. به طوری که این امر در زنانی با تحصیلات کارشناسی و بالاتر به شکل قابل ملاحظه‌ای متفاوت از زنان با تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم است. برای مثال ۶۱ درصد زنان با تحصیلات فوق لیسانس و دکترا، ۳۸/۱ درصد زنان با تحصیلات کارشناسی و حدود ۳۵ درصد زنان با تحصیلات کاردانی فاقد فرزند هستند. این در حالی است که ۱۶/۷ درصد زنان با تحصیلات دیپلم، و صفر درصد زنان زیر دیپلم فاقد فرزند هستند. با دقت بیشتر در نتایج حاصل شده مشاهده گردید که سیر نزولی سهم فرزندآوری از بالاترین سطوح تحصیلی تا پایین‌ترین آن تقریباً چنین مسیری را نشان می‌دهد. عکس چنین مسیری را نیز می‌توان در مورد باروری بالا با تحصیلات کم‌تر مشاهده کرد. به طوری که نزدیک به ۴۸ درصد زنان با تحصیلات سیکل و زیر سیکل ۲۷/۱ درصد زنان زیر دیپلم و بالاتر از سیکل، ۶ درصد در میان زنان دیپلم، ۲ درصد در میان زنان فوق دیپلم و صفر درصد در میان زنان دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر دارای ۴ فرزند و بیش‌تر هستند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که عموماً زنان دارای فرزندان بیش‌تر و تحصیلات کم‌تر در گروه‌های سنی بالا قرار دارند و در توصیف و تحلیل داده‌های فوق باید به این نکته توجه داشت.

داده‌ها نشان می‌دهند که ۹۲,۵ درصد از نمونه‌های گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله و ۸۰ درصد نمونه‌های ۴۰-۴۴ ساله دیپلم و زیر دیپلم بودند.

۱ بنابر مطالعات جمعیتی سنین ۲۰-۲۹ ساله سنین حداکثری باروری زنان است.

تحلیل داده‌ها بر اساس سن ازدواج نشان می‌دهد که بیش از ۱۸ درصد زنان فوق لیسانس و بالاتر در سنین بالاتر از ۳۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. این سهم برای زنان لیسانس ۱۱/۶ درصد، برای زنان فوق دیپلم ۸،۲ درصد، برای زنان دیپلم ۴/۸ درصد و برای زنان با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم صفر درصد بوده است. این در حالی است که ازدواج در سنین کم‌تر از ۲۰ سالگی در میان زنان با تحصیلات پایین‌تر شیوع بیش‌تری داشته و داده‌ها نشان می‌دهند که حدود ۸۰ درصد از زنان با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم، نزدیک به ۵۲ درصد از زنان دیپلم، ۲۴/۵ درصد از زنان فوق دیپلم، ۵/۸ درصد زنان لیسانس و ۶/۱ درصد از زنان فوق لیسانس و بالاتر در سنین زیر ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند.

۲) توصیف سرمایه فرهنگی

توصیف مهم‌ترین متغیر این پژوهش و ابعاد آن حاکی از آن است که میانگین سرمایه فرهنگی و ابعاد تجسم یافته، عینیت یافته و نهادی به ترتیب ۲/۲۴، ۲/۸۰، ۲/۱۳ و ۱/۴۷ است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین سرمایه فرهنگی نمونه‌های مورد مطالعه چندان بالا نیست و این امر به‌ویژه در بعد نهادی آن قابل مشاهده است. برای دریافت تصویری دقیق‌تر از نحوه توزیع جامعه آماری برحسب متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد سه‌گانه آن شاخص‌های گرایش به مرکز و همچنین شاخص پراکندگی در جدول ذیل ارائه شده است. جدول ذیل توزیع نمونه‌های مورد مطالعه برحسب میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد سه‌گانه تجسمی، عینیت یافته و نهادی آن را به تفصیل نشان می‌دهد:

جدول ۲. توزیع نمونه‌های مورد مطالعه برحسب میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد سه‌گانه

تجسمی، عینیت یافته و نهادی

چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین	بالا	متوسط	پایین	
-۰/۵۷۰	۰/۳۶۸	۰/۶۷۴	۲/۲۴	۱۰	۱۶۰	۲۲۱	سرمایه فرهنگی
-۰/۹۴۷	۰/۱۰۶	۰/۹۵۱	۲/۸۰	۸۴	۱۶۷	۱۴۰	تجسم یافته
-۰/۴۶۶	۰/۴۹۲	۰/۶۹۲	۲/۱۳	۱۲	۱۳۶	۲۴۳	عینیت یافته
-۰/۶۲۱	۱/۱۵۲	۰/۵۷۳	۱/۴۷	۱	۳۴	۳۵۶	نهادین

در کنار آماره‌های موجود در درون جدول فوق‌الذکر با بررسی رابطه همبستگی بین میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد سه‌گانه آن با سن ازدواج، میزان تحصیلات و سن می‌توان توصیفی دقیق‌تر از وضعیت جامعه آماری مورد مطالعه ارائه کرد. جدول ذیل به شکلی دقیق این ارتباطها را به نمایش گذاشته است.

جدول ۳: میزان همبستگی سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با متغیرهای سن، سن ازدواج و میزان

تحصیلات

تحصیلات	سن ازدواج	سن	
**۰/۴۶۶	**۰/۲۳۸	**۰/۲۷۹	سرمایه فرهنگی
**۰/۳۵۰	**۰/۱۶۸	**۰/۲۳۸	تجسم یافته
**۰/۴۸۲	**۰/۲۶۲	**۰/۲۶۶	عینیت یافته
**۰/۳۷۹	**۰/۱۴۹	**۰/۲۱۳	نهادین

همان‌طور که مشاهده می‌گردد، میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد سه‌گانه آن با سن نمونه‌های مورد مطالعه رابطه‌ای معکوس دارد. به عبارتی با بالا رفتن سن پاسخگویان، میزان سرمایه فرهنگی در هر سه بعدش کاهش می‌یابد. این یافته با توصیفاتی که پیش‌تر ارائه شد همخوان است. همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، زنانی که در این پژوهش در گروه‌های سنی ۴۰ سال به بالا قرار دارند عموماً زنانی با تحصیلات پایین‌تر بودند. از یافته‌های جالب توجه موجود در جدول فوق می‌توان به رابطه مستقیم بالا بین میزان تحصیلات و میزان سرمایه فرهنگی (در هر سه بعد) اشاره کرد. به طوری که با بالا رفتن میزان تحصیلات به میزان ۰/۴۷ درصد میزان سرمایه فرهنگی آنها افزایش می‌یابد.^۱ این آماره برای سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادین به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۴۸ و ۰/۳۸ می‌باشد. علاوه بر یافته‌های فوق باید به رابطه مستقیم بین سن ازدواج به‌عنوان متغیری مهم در تأخیر در فرزندآوری و میزان سرمایه فرهنگی (در

۱ باید یادآوری کرد که در سنجش سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در این تحقیق از گویه‌هایی با طیف لیکرت استفاده شده و از تحصیلات به‌عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه فرهنگی استفاده نشده است.

هر سه بعد آن) اشاره کرد. میزان همبستگی بین سن ازدواج و میزان سرمایه فرهنگی ۰/۲۳ و با ابعاد تجسم یافته، عینیت یافته و نهادین به ترتیب ۰/۱۷، ۰/۲۶ و ۰/۱۵ اشاره کرد.

۳) آزمون دومتغیره روابط متغیرهای پیش‌بین با رفتار باروری

در این پژوهش رفتار باروری (تعداد فرزند زنده به دنیا آمده هر زن) و تصمیم به فرزندآوری در آینده به عنوان متغیر ملاک مطرح است. در این بخش به بررسی فرضیات پژوهش و آزمون آن‌ها می‌پردازیم:

جدول ۴. نتیجه آزمون فرض رابطه بین رفتار باروری و سرمایه فرهنگی زنان مورد مطالعه

نتیجه	رابطه و سطح معناداری	مقادیر همبستگی	نوع آزمون	متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
تأیید فرضیه	وجود رابطه معنادار با ۹۹ درصد اطمینان و جهت رابطه معکوس یا منفی	۰/۴۰۰**	پیرسون	سرمایه فرهنگی	رفتار باروری
تأیید فرضیه	وجود رابطه معنادار با ۹۹ درصد اطمینان و جهت رابطه معکوس یا منفی	۰/۳۳۳**	پیرسون	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	رفتار باروری
تأیید فرضیه	وجود رابطه معنادار با ۹۹ درصد اطمینان و جهت رابطه معکوس یا منفی	۰/۳۹۰**	پیرسون	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	رفتار باروری
تأیید فرضیه	وجود رابطه معنادار با ۹۹ درصد اطمینان و جهت رابطه معکوس یا منفی	۰/۳۰۵**	پیرسون	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	رفتار باروری

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، آماره‌های موجود در جدول ۴ نشانگر رابطه معنادار معکوس با ۹۹ درصد اطمینان ما بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و رفتار باروری است. طبق این یافته، هر چه میزان سرمایه فرهنگی زنان مورد مطالعه افزایش می‌یابد، از تعداد فرزندان آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته با توصیفاتی که پیش‌تر به تفصیل توضیح داده شد هماهنگ است. برای درکی دقیق‌تر از ارتباط این سازه با متغیر رفتار باروری رابطه ابعاد سه‌گانه این سازه با متغیر ملاک به

طور جداگانه مورد آزمون قرار گرفت. آزمون ارتباط مابین بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی زنان مورد مطالعه و رفتار باروری آنها نشان دهنده رابطه معنادار و معکوس با ۹۹ درصد اطمینان مابین دو متغیر است. باید یادآور شد که گویه‌های سرمایه فرهنگی تجسم یافته زنان نشانگر سطح ذائقه فرهنگی (ادبی، هنری و ...) آنهاست. هر قدر که این نوع ذائقه‌ها افزایش می‌یابد تعداد فرزندان این افراد کاهش می‌یابد. در حقیقت ذائقه‌های هنری و ادبی افراد نشانگر نگرش‌های آنها نسبت به زندگی و نحوه مواجهه آنها با جهان اجتماعی پیرامون آنهاست. این امر بر شکل زندگی آنها و همچنین تصوراتی که از زندگی آتی فرزندان‌شان دارند تأثیرگذار است. به عبارت دقیق‌تر، برای افرادی با سرمایه فرهنگی تجسم یافته کیفیت زندگی برای خود و خانواده و به‌ویژه فرزندان از اولویت و اهمیت بالایی برخوردار است. لذا فرزندان کم‌تر یا بی‌فرزند می‌تواند در این جهت استراتژی کارا در جامعه‌ای با شرایط ناپایدار و با آینده‌ای نامعلوم شمار آید. بعد دوم سرمایه فرهنگی تحت عنوان سرمایه فرهنگی عینیت یافته دلالت بر توانایی‌ها در عینیت بخشی به ذائقه‌های هنری و ادبی آنها دارد. اطلاعات مندرج در جدول ۴ نشانگر ارتباط معنادار معکوس بین این بعد از سرمایه فرهنگی و رفتار باروری زنان مورد مطالعه است. در حقیقت هر چه میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته زنان افزایش می‌یابد که خود گواه بر عینیت یافتن شکل خاصی از نگرش به زندگی و مواجهه با جهان اجتماعی پیرامون است، از تعداد فرزندان آنها کاسته می‌شود.

ارتباط سومین بعد از ابعاد سازه سرمایه فرهنگی با رفتار باروری پاسخ‌گویان نیز در جدول ۴ مورد آزمون قرار گرفته است. همان‌طور که پیش‌تر در بخش‌های اولیه مقاله اشاره شد گویه‌های سرمایه فرهنگی نهادی دلالت بر میزان آموزش مهارت‌های دریافت شده در خارج از محیط دانشگاهی دارد. که عمدتاً با دریافت مدارکی رسمی از سوی نهادها و موسسات ارائه دهنده همراه است. بنابر یافته‌های جدول ۴ رابطه‌ای معنادار و معکوس بین سومین بعد سرمایه فرهنگی – همانند دو بعد اول و دوم – و تعداد فرزندان زنان مورد مطالعه وجود دارد. به عبارتی دقیق‌تر با افزایش میزان آموزش‌های ذکر شده از سوی زنان مورد مطالعه از تعداد فرزندان آنها کاسته

می‌شود. این یافته همانند یافته‌های مندرج در سه جدول پیش گواه بر ارتباط بین شکل زندگی و نگرش‌ها نسبت به آن با میزان فرزندآوری است.

پس از بررسی ارتباط سازه سرمایه فرهنگی و ابعاد سه گانه آن با رفتار باروری زنان مورد مطالعه حال به بررسی دومین فرضیه این پژوهش می‌پردازیم. همان‌طور که در بخش فرضیات ذکر شده است. فرضیه دوم به ارتباط مابین سرمایه فرهنگی زنان و تصمیم به باروری آن‌ها در آینده اشاره دارد. جدول شماره ۵ میانگین سرمایه فرهنگی زنان را در دو گروه دارای تصمیم و فاقد تصمیم به باروری در آینده نشان می‌دهد.

جدول ۵: جدول توصیفی تصمیم به باروری و سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
تصمیم به باروری	۱۲۹	۲/۳۳	۰/۶۶۵	۰/۰۵۹
عدم تصمیم به باروری	۲۶۲	۲/۲۰	۰/۶۷۵	۰/۰۴۲

جدول ۵، مقایسه میانگین سرمایه فرهنگی در بین دو گروهی که در آینده تصمیم به باروری دارند و یا ندارند؛ بر طبق جدول ۵ میانگین سرمایه فرهنگی این دو گروه تفاوت چندانی با هم ندارد. در ادامه برای آزمودن این ادعا از آزمون پارامتریک دو نمونه‌ای تفاوت استفاده می‌کنیم.

جدول ۶: آزمون تفاوت تصمیم به باروری و سرمایه فرهنگی

تصمیم و عدم تصمیم به باروری / سرمایه فرهنگی							
t-test آزمون	f مقدار	سطح معناداری	مقدار t	سطح معناداری	تفاوت میانگین	حد پایین	حد بالا
با فرض برابری واریانس	۰/۲۶۴	۰/۶۰۸	۱/۷۰۲	۰/۰۹۰	۰/۱۲۳	-۰/۰۱۹	۰/۲۶۵
با فرض نابرابری واریانس			۱/۷۱۰	۰/۰۸۸	۰/۱۲۳	-۰/۰۱۹	۰/۲۶۵

جدول ۶، با در نظر گرفتن سطح معناداری آزمون لوین (۰/۶۰۸)، واریانس‌ها برابر می‌باشند، از این رو در ادامه به میزان سطح معناداری واریانس‌ها برابری نگاه می‌کنیم، (۰/۰۹۰)، بر این اساس واریانس‌ها برابرند و فرض تحقیق رد می‌شود و میانگین سرمایه فرهنگی در میان دو گروهی که در آینده تصمیم به باروری دارند و یا ندارند، تفاوت معناداری با هم ندارد.

۴) تحلیل چند متغیره

برای اینکه اثرات مستقیم و غیر مستقیم یا میانجی هر کدام از پیش‌بین‌ها بر متغیر ملاک را بسنجیم از رگرسیون چند متغیره تحلیل مسیر و از روش ورود^۱ استفاده می‌کنیم. به این صورت که به ترتیب و طی چند مرحله هر متغیر پیش‌بینی که میزان بتای استاندارد بیش‌تری داشت را به‌عنوان متغیر ملاک جدید در نظر گرفته و متغیر ملاک قبلی حذف می‌شود و تاثیر سایر پیش-بین‌ها بر ملاک جدید محاسبه می‌شود.

جدول ۷: نتایج تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

مدل / متغیرهای پیش‌بین	ضرب تعیین R2	سطح معناداری آنوا	Beta	سطح معناداری t
رفتار باروری / تحصیلات	۰/۳۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۳	۰/۰۰۰
تحصیلات / سن ازدواج	۰/۴۰	۰/۰۰۰	۰/۴۴	۰/۰۰۰
سن ازدواج / سرمایه فرهنگی	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰

در جدول شماره ۷ با در نظر گرفتن معنادار بودن پیش‌بین‌ها و همچنین ضرایب رگرسیونی بتا که همگی بالای ۰/۰۵ می‌باشند، به این نتیجه می‌رسیم که هیچ‌کدام از پیش‌بین‌ها حذف نشده و در معادله باقی می‌مانند و متغیر مناسبی برای پیش‌بینی و تبیین می‌باشند. طبق مدل بالا تحصیلات به صورت مستقیم و سن ازدواج و سرمایه فرهنگی به صورت غیرمستقیم یا میانجی از طریق تأثیرگذاری بر تحصیلات و سن ازدواج بر رفتار باروری اثرگذار هستند. به این

صورت که سرمایه فرهنگی با تاثیر مستقیم و مثبتی که بر سن ازدواج اشخاص می‌گذارد و در ادامه تاثیر مثبتی که سن ازدواج بر تحصیلات می‌گذارد و در آخر تاثیر منفی که تحصیلات بر رفتار باروری می‌گذارد، عمل خواهد کرد.

بر طبق تأثیرات مستقیم متغیرها هرچه افراد تحصیلات بیش تری داشته باشند باروری کم تری خواهند داشت و در رابطه با تأثیرات میانجی یا غیرمستقیم افرادی که سرمایه فرهنگی بالاتری داشتند سن ازدواج آنان بیش تر بود و کسانی که سن ازدواج بالاتری داشتند تحصیلات بیش تری نیز داشتند و به این طریق پیش بین‌ها بر رفتار باروری بانوان تأثیر گذار است.

بحث و نتیجه گیری

اگرچه در زمینه ارتباط سرمایه فرهنگی با رفتار باروری تحقیقات چندانی انجام نشده، اما همان تحقیقات اندک نشانگر همسویی یافته‌های تحقیق حاضر با بسیاری از تحقیقات پیشین است. طبق تحقیق کاوه و همکاران (۱۳۹۶)، که در رابطه با تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر نگرش به فرزندآوری بود، این نتیجه حاصل گشت که هرچه سرمایه فرهنگی اشخاص بیش تر باشد تصمیم کمتری به فرزندآوری دارند. در زمینه نقش عوامل فرهنگی بر طبق یافته‌های رشیدی (۱۳۹۷)، افراد با فرهنگ سنتی باروری بیش تر و با فرهنگ مدرن باروری کم تری داشتند، بر طبق پژوهش حمیدی گنجه (۱۳۹۰)، افزایش تحصیلات و اشتغال سبب کاهش تصمیم به آوردن فرزند دوم می‌شود. در تحقیقات خارجی نظیر آکین (۲۰۰۵)، تحصیلات و اشتغال عالی که از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی است، اثری معکوس بر باروری دارد. تحقیقات روبین لودن پیچ (۲۰۰۶) نیز این نتایج را تایید می‌کند. طبق تحقیق ادھیکاری (۲۰۱۰)، وضعیت بهتر از جهت فرهنگی کاهش باروری را به دنبال دارد. در پژوهش حاضر نیز با توجه به یافته‌ها، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی با رفتار باروری رابطه‌ای کاملاً معکوس نشان دادند و با زیاد شدن یکی دیگری کاهش می‌یابد. بنابراین تحقیق حاضر هم راستا با بسیاری از پژوهش‌های دیگری است که در این زمینه به انجام رسیده است.

این پژوهش با تکیه بر نظریه پی‌یر بوردیو در زمینه سرمایه فرهنگی انجام شده است. از نظر بوردیو افراد در طبقات مختلف و بر حسب برخورداری از سطوح گوناگون انواع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سلیق، نگرش‌ها و تصمیمات متفاوتی اتخاذ خواهند کرد. طبقات بالا و متوسط رو به بالا که بیش‌ترین میزان از انواع سرمایه را دارند، طبق عادت‌واره‌هایی که از دوران کودکی آموخته‌اند با تمرکز بر ذائقه‌های فرهنگی متفاوت، مواردی را که دیگر ارزش اجتماعی و فرهنگی به شمار نمی‌آید و منفعتی هم ندارد (نظیر فرزندآوری و فرصت‌ها و هزینه‌های از دست رفته‌ای که دنبال خود دارد) از زندگی خود حذف می‌کنند. طبقات متوسط نیز در این زمینه دنباله‌روی طبقه مسلط هستند، اما طبقات پایین که کم‌ترین میزان سرمایه را در اختیار دارند به سبب فرهنگ و عادت‌واره‌های آموخته شده خود سبک زندگی خاصی داشته و کماکان فرزندآوری را نوعی ارزش اجتماعی دانسته و در اولویت قرار می‌دهند.

نتایج یافته‌ها و آزمون‌های دومتغیره و چند متغیره در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی با فرزندآوری بانوان شهر رشت رابطه دارد و میزان باروری در بین اقشاری که از نظر سرمایه فرهنگی در رده‌های پایین‌تری قرار دارند بیش‌تر است. طبق نتایج بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادی) با رفتار باروری رابطه معکوس و منفی حاکم است و با افزایش سرمایه فرهنگی و ابعاد آن، رفتار باروری زنان کاهش خواهد یافت و با کاهش سرمایه فرهنگی و ابعاد آن، رفتار باروری زنان افزایش خواهد یافت. همچنین بین سال‌های تحصیلی و سن در زمان ازدواج با رفتار باروری نیز رابطه معکوسی حاکم است. به این صورت زنانی که در سنین بالایی ازدواج کرده‌اند و زنانی که تحصیلات بالاتری دارند باروری کم‌تری در آنان دیده می‌شد. این یافته‌ها گویای این موضوع است که تغییرات فرهنگی رخ داده در شهر رشت بازتاب تغییرات اساسی در الگوهای فرهنگ‌آموزی سنتی در امر فرزندآوری است و باعث کاهش چشم‌گیر میزان فرزندآوری و روی آوردن به تصمیمات و علایق فردی شده است.

همان‌طور که در بخش توصیف داده‌ها مشاهده شد زنان گروه‌های سنی پایین‌تر در مقایسه با زنان گروه‌های سنی بالاتر تصمیم بیش‌تری به فرزندآوری دارند. این امر احتمالاً به این دلیل است که بسیاری از این زنان احساس می‌کنند که هنوز باروری خود را کامل نکرده‌اند و فرصت جبران آن را در سنین بالاتر خواهند داشت. به عبارت دیگر، زنان جوان‌تر مدام تصمیمات خود به فرزندآوری را با توجه به شرایط زیست‌نامساعد و نامعلوم بودن وضعیت آینده جامعه به تأخیر می‌اندازند، اما در نهایت هنگامی که به پایان دوره باروری خود نزدیک‌تر می‌شوند به دلیل عدم تغییر در شرایط زیست آن‌ها تأخیر در فرزندآوری با قطعیت بیش‌تری به فرزندناخواهی تبدیل می‌شود.

باید خاطر نشان ساخت که اکثر نمونه‌های این تحقیق به‌ویژه با تحصیلات لیسانس و بالاتر در گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال قرار دارند. این نکته گواه بر آن است که زنان تحصیل کرده مورد مطالعه با وجود سرمایه فرهنگی بالا هنوز تا حدودی تصمیم به فرزندآوری دارند، لیکن شرایط سخت زندگی و همچنین انتظارات بالا برای زندگی فرزندان محدود کننده رفتار باروری آن‌هاست. نکته‌ای که در اینجا باید خاطر نشان ساخت این است که فرایند مدرن شدن جامعه نمی‌تواند با تبعیض جنسیتی همراه شود و عملاً افزایش سرمایه فرهنگی زنان بخش مهمی از فرایند مدرن شدن جامعه به شمار می‌رود. لذا با توجه به یافته‌های این تحقیق افزایش میزان باروری زنان تحصیل کرده تنها با تغییر شرایط عمومی زندگی و ارتقا سطح معیشت این خانواده‌ها و بهبود کیفی سازمان‌ها و موسساتی که می‌توانند فرایند رشد و ارتقا کودکان این خانواده‌ها را بر عهده بگیرند (مهد کودک‌ها، کودکستان‌ها و مدارس با کیفیت بالا) افزایش یابد. بررسی تجربه کشورهای بی که تا حدودی فرایندی مشابه با کشور ما را طی کرده‌اند (البته به صورتی بطئی و آهسته و نه با شدتی که جامعه ما طی سه دهه اخیر طی کرده است) دلالت بر آن دارد که این جوامع شرایط اجتماعی - فرهنگی لازم برای فرزندآوری زنان با تحصیلات بالا را فراهم ساخته‌اند به طوری که در این کشورها سازمان‌ها و مؤسساتی وجود دارد که عملاً بخش بزرگی از فرایند جامعه پذیری فرزندان و آموزش آن‌ها را بر عهده گرفته‌اند (چکل ۲۰۰۵؛

هیلمن و باتس، ۲۰۰۹). در حقیقت با مدرن شدن جامعه تعریف از خانواده و نقش‌های آموزشی و پرورشی آن تغییر کرده و بخش بزرگی از این نقش‌ها به سازمان‌ها و مؤسسات خارج از خانواده واگذار شده است. در چنین شرایطی فرزندآوری محدود کننده آزادی‌های زنان تحصیل کرده، اشتغال آن‌ها، و همچنین انتظارات آن‌ها از زندگی نخواهد بود.

یکی از نکات مهم در تحلیل رفتار باروری زنان با سرمایه فرهنگی بالا وجود ساختار ذهنی مرد/پدرسالار است که مولد نوع خاصی از برداشت از خانواده مسئولیت‌های همسر تعریف مردانگی و زنانگی در آن است. در چنین جوامعی در کنار حضور ساختار عینی مرد/پدرسالار که می‌توان آن را در فرصت‌های به مراتب کم‌تر اشتغال زنان مشاهده کرد، ساختارهای ذهنی مرد/پدرسالار مشاهده می‌شود که حتی در بین زنان با سرمایه فرهنگی بالا نیز تا حدودی قابل مشاهده است. برای نمونه یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌های حین جمع‌آوری داده‌های کمی نشان می‌دهد که بخش زیادی از زنان با تحصیلات بالا مسئولیت اقتصادی خانواده را کاملاً بر عهده مردان خانواده می‌دانند. با چنین ساختار ذهنی/عینی مرد/پدرسالار بخش قابل توجهی از زنان با تحصیلات بالا عموماً شرایط متناسب با چنان ساختاری را برای ازدواج پیش‌فرض می‌گیرند. همین امر در کنار افول جایگاه اقتصادی مردان در برآورده‌سازی انتظارات فوق‌باعثت تأخیر در ازدواج زنان با تحصیلات بالاتر می‌شود چرا که چنین زنانی همانند سایر زنان این جوامع، انتظار همسرانی با تحصیلات بالاتر از خود و همچنین با امکانات اقتصادی مورد انتظار دارد. نتیجه تمامی موارد فوق‌الذکر افزایش سن ازدواج به‌ویژه در زنان با سرمایه فرهنگی بالا و متعاقب آن کاهش نرخ باروری و به تعویق افتادن باروری است.

بنابراین، چنانچه هدف‌گذاری سیاستی جلوگیری از تأخیر در فرزندآوری و افزایش میزان های باروری باشد (آن‌گونه که در حال حاضر است) دست‌یابی به چنین اهدافی از طریق ایجاد هماهنگی در انتظارات ذهنی و موقعیت عینی خانواده‌ها می‌تواند میسر باشد. این هماهنگی همان‌طور که در بالا اشاره گردید می‌تواند با تغییر شرایط عمومی زندگی و ارتقاء سطح معیشت خانواده‌ها و بهبود کیفی سازمان‌ها و موسساتی که می‌توانند فرایند رشد و ارتقاء کودکان این

خانواده‌ها را بر عهده بگیرند (مهد کودک‌ها، کودکان‌ها و مدارس با کیفیت بالا) افزایش یابد. علاوه بر این، از آنجایی که بسیاری از ابعاد رابطه بین سرمایه فرهنگی و باروری چندان مورد مطالعه قرار نگرفته است لازم است که در این زمینه پژوهش‌های بیشتری انجام گیرد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، (ترجمه باقر پرهام)، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ایدر، نبی‌الله، تقوایی‌فرد، لیلا (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله با تأکید بر اشتغال و تحصیلات در شهر جهرم»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال ۱۲، شماره ۲ (۴۱)، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- بهداد، سهراب و فرهاد نعمانی (۱۳۸۷)، *طبقه و کار در ایران*، (ترجمه محمود منحد)، تهران: انتشارات آگاه.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱)، *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، (ترجمه مرتضی مردیها)، چاپ دوم، تهران: نقش و نگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۴)، *شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاج بخش*، (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران: نشر شیرازی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۳)، *تمايز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، (ترجمه حسن چاوشیان)، تهران: ثالث.
- بون‌ویتز، پاتریس (۱۳۹۶)، *درس‌هایی از جامعه شناسی پی‌یر بوردیو*، (ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر)، چاپ سوم، تهران: آگه.
- پژهان، علی، کمالی‌ها، آنیثا (۱۳۹۴)، «تأثیر عوامل فرهنگی و باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله منطقه ۱۲ شهر تهران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۷.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۲)، *اقتصاد و فرهنگ*، (ترجمه کاظم فرهادی)، تهران: نشر نی.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، کوششی، مجید، ایرانی، یوسف (۱۳۹۰)، «عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان متأهل (۱۵-۴۹) ساله شهر قم»، *دو فصل‌نامه اسلام و علوم اجتماعی*، سال ۳، شماره ۵، صص ۷۷-۵۹.

- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پی‌یر بوردیو*، (ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان)، تهران: نی.
- حکمت، ناهید (۱۳۹۲)، «درآمدی بر رویکرد روش شناختی پی‌یر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۷۸-۱۵۵.
- حمیدی گنجه، پریسا (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی مؤثر بر تصمیم زنان ۴۹-۱۵ ساله به داشتن فرزند دوم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمدامین، عبداللّهی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، «جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه رشت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۱۳۵-۱۰۱.
- حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمدامین، عبداللّهی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «نگاه بی‌فرزندان ارادی به فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ۸، شماره ۳، صص ۵۴-۲۷.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۰)، *سالنامه آمارهای جمعیتی ۱۳۹۹*، انتشارات سازمان ثبت احوال کشور، چاپ اول
- شارع‌پور، محمود، خوش‌فر، غلام‌رضا (۱۳۸۱)، «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان. مطالعه موردی شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳.
- دواس، دیوید، (۱۳۸۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، (ترجمه هوشنگ ناییب)، چاپ نهم، تهران: الوان.
- رضایی نسب، زهرا، فتوحی، سردار (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار باروری در بین زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر ایلام»، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، دوره ۱۸، شماره ۵۵ و ۵۴، صص ۱۳۳-۱۱۲.
- فطرس، محمد حسین، و نجمی، ممریم، و معمارزاده، عباس (۱۳۹۶). تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری (مطالعه موردی: ایران). *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۵(۳): ۳۱۱-۳۲۵.
- فیروزبخت، مژگان، و تیرگر، آرام، و حاجیان تیلکی، ک.ریم‌اله، و باکویی، فاطمه، و نیکپور، مریم. (۱۳۹۸). سرمایه اجتماعی و تک فرزندی در زنان شاغل. *تحقیقات نظام سلامت حکیم (حکیم)*، ۲۲(۳ [پیاپی ۸۶])، ۲۴۱-۲۴۸.

- قاسمی اردهایی، علی، راد، فیروز، ثوابی، حمیده (۱۳۹۳)، «بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی زوجین»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱۲۵-۱۶۲.
- قدرتی، حسین، احمدی، علی‌یار، مختاری، مریم، افراسیابی، حسین (۱۳۹۰)، «تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار»، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، سال ۱، شماره ۴، صص ۷۹-۹۴.
- کاوه، زینب، زارع، بیژن، جهانبخش، صادق (۱۳۹۶)، «تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۱۹.
- کنعانی، محمد امین (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر مطالعات و سیاست‌های جمعیتی*، رشت: انتشارات وارسته.
- کنعانی، محمد امین، بخشی، سعادت (۱۳۹۳)، «گسترش فردگرایی و مسأله کم‌فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۹، شماره ۱۸، صص ۳۰-۷.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۸)، *مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو*، (ترجمه محمد مهدی لیبی)، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص*، (ترجمه ناصر موفقیان)، تهران: نشر نی.
- عباسی شوازی، محمد جلال، خواجه صالحی، زهره (۱۳۹۲)، «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تصمیم به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱ (۱)، صص ۶۴-۴۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال، حسینی، حاتم (۱۳۹۱)، «تفاوت‌های قومی باروری در ایران»، *ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران*، سال ۱۱، شماره ۶۵، صص ۱۴۱-۱۲۶.
- میشل، آندره (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، (ترجمه فرنگیس اردلان)، تهران: دانشگاه تهران.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲)، «آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی»، *رشد علوم اجتماعی*، دوره جدید، شماره ۳۳، صص ۲۲-۱۲.

- نیازی، محسن، کارکنان، محمد (۱۳۸۶)، «تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۸، شماره ۳ (۳۱)، صص ۸۰-۵۵.
- هاشمی نیا، فاطمه، و رجیبی، ماهرخ، و یاراحمدی، علی. (۱۳۹۶). بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸ (۳ [پیاپی ۶۷])، صص ۶۱-۷۸.
- هیر، دیوید ام (۱۳۸۰)، *جامعه و جمعیت: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت*، (ترجمه یعقوب فروتن)، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
- Adhikari Ramesh (2010). Demographic, socio-economic, and cultural factors affecting fertility differentials in Nepal. *BMC pregnancy and childbirth*, 10, 19.
- Behrman, Julia, and Pilar Gonalons-Pons, (2020), "Women's Employment and Fertility in a Global Perspective (1960-2015)." University of Pennsylvania Population Center Working Paper (PSC/PARC), 2020-53.
- Bernardi, Laura & Klärner, Andreas (2014), "Social networks and fertility", *Demographic Research*, 30: 641-670.
- Bourdieu, Pierre (1989), "Social Space and Symbolic Power", *Sociological Theory*, 7: 14-25.
- Bourdieu, Pierre (1990), *In Other Words: Essays toward a Reflexive Sociology*, Cambridge, Eng.: Polity Press.
- Buhler, Chirstoph, Philipoy, Dimiter (2005), "Theoretical Foundations and Empirical Evidence from Bulgaria", *Vienna Yearbook of Population Research*, 51(1), 53-81.
- Checkel, Jeffrey (2005). International Institutions and Socialization in Europe: Introduction and Framework. *International Organization*, 59(4), 801-826.
- Crossley, Nick (2001), "Habitus, Capital and Field: Embodiment in Bourdieu's Theory of Practice". Chapter 6 in: *The Social Body: Habit, Indentity and Desire*, London: SAGE Publication Ltd.
- Crossley, N. (2001). Habitus, Capital and Field: Embodiment in Bourdieu's Theory of Practice. In: *The Social Body: Habit, Indentity and Desire*, (pp. 91-119). SAGE Publications Ltd.
- Dalziel P., Saunders C., Saunders J. (2018) Households, Families and Cultural Capital. In: *Wellbeing Economics. Wellbeing in Politics and Policy*. Palgrave Macmillan, Cham, PP 45-65.
- Dreze, Jean, Murthi, Mamta (2000), "Fertility, Education and Development. The Suntory Centre", London School of Economics and Political Science. Discussion Paper.
- Dribe, Martin, Hacker, David, Scalone, Francesco (2014), "The impact of socio-economic status on net fertility during the historical fertility decline: A comparative analysis of Canada, Iceland, Sweden, Norway and the USA", *Population Studies*, 68(2), 135-149.
- Firozbakht, Mojgan, Tirgar, Aram, Hajian Tilaki, Karimollah, Bakouei, Fatemeh, Riahi, Mohammad esmaeil, Nikpour, Maryam (2020), " Social capital and fertility behaviors: a cross-sectional study in Iranian women health care workers", *BMC Women's Health*, PP 1-8.

- Hakim, Cathrin (2003). A New Approach to Explaining Fertility Patterns: Preference Theory. *Population and Development Review*, 29(3), 349–374.
- Hilgeman Christin, & Carter T. Butts, (2009) Women’s employment and fertility: A welfare regime paradox, *Social Science Research*, 38(1), 103-117.
- Inglehart, Ronald, & Norris, Pippa (2003), "The True Clash of Civilization", *Foreign Policy*, 135, 62-70.
- Lamont, Michele and Lareau Annette (1988), “Cultural Capital: Allusions, Gaps and Glissandos in Recent Theoretical Developments”, *Sociological Theory*, 6(2), 153-168.
- Lesthaeghe Rone (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review*. 36, 211–251.
- Lesthaeghe, Rone (2020) The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation—a global update. *Genus* 76, 10.
- Macunovich, Diane J (2003), "Economic Theories of Fertility", Chapter 6 in: *Economics of Gender and the Family*, (edited by Karine Moe), Blackwell Publishers.
- Matysiak, Anna, & Vignoli, Danielle (2013). Diverse Effects of Women's Employment on Fertility: Insights from Italy and Poland, *European Journal of Population*, 29(3), 273–302.
- Mullins, Alyssa (2018), "Capital in Pronatalist Fields: Exploring the Influence of Economic, Social, Cultural and Symbolic Capital on Childbearing Habitus", in Sappleton, N. (Ed.) *Voluntary and Involuntary Childlessness*, Emerald Publishing Limited, Bingley, pp. 97-124.
- Stones, Roy (1998), *Key Sociological Thinkers*, Mcmillan Press Ltd,U.
- Thornton Arland (2001) The Developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change. *Demography*, 38 (4): 449–465.
- Thornton Arland (2005) *Reading History Sideways: The Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life*. Chicago: University of Chicago Press.
- Vikram Kirti (2012) The role of social and cultural capital on fertility preferences and contraceptive use. Paper presented at the Population Association of America Annual Conference. Available at: <http://paa2012.princeton.edu/papers/122700>.
- Vitali, Agnese Francesco C. Billari, Alexia Prskawetz, & Maria Rita Testa. (2009) Preference Theory and Low Fertility: A Comparative Perspective. *European Journal of Population*, 25 (4), 413-438.
- Watkins Susan Cotts (1991) *From Provinces Into Nations: Demographic Integration in Western Europe, 1870-1960*, Princeton University Press, Princeton, NJ, USA,.

Original Research Article ■

Cultural Capital and Fertility: A Study among Married Women Aged 15-49 in the City of Rasht

Touba Barati¹, Mohammad Amin Kanani*², Hamid Ebadollahi Chanzanagh³

Abstract During the last few decades, reducing fertility rates to the below replacement level has been widespread in Iran but the experience of Gilan province is significant in this regard. According to the latest estimates in 2020, the total fertility rate of this province was 1 child. The present study aims to investigate the subjective reasons for low fertility rates. The theoretical approach of the study is the approach of Pierre Bourdieu's capital and the concept of "cultural capital" and its constituent components (embodied, objectified and institutionalized). The research method is survey, the data collection tool is questionnaire, the statistical population is married women aged 15-49 in Rasht, the method is random cluster sampling and the sample size is 391. The findings show that childlessness and low childbearing are common reproductive behaviors and the majority of respondents (about 67%) do not decide to reproduce. According to the findings, there is a significant and inverse relationship between cultural capital and all its dimensions (embodied, objectified and institutional) and reproductive behavior (the number of live births per woman) and with increasing cultural capital, fertility decreases. Accordingly, although structural factors play a role in fertility, attitudes, tastes, values and consequently choices are also important and there is a need to harmonize the mental expectations and objective position of families.

Keywords Fertility, cultural capital, education, women, Rasht

Received: 2022.01.22

Accepted: 2022.03.04

1 Master of Sociology, University of Guilan, touba.barati73@gmail.com

2 Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Guilan (Corresponding Author), kanani@guilan.ac.ir

3 Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Guilan, h_ebadollahi@guilan.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.547323.1216>